

اگر

آلما توکل



آرزوهای کسی را فراموش کنی

گپ و گفت با بابک نیک طلب، شاعر

دوستان زیادی دارد و دوستانش را با دقت انتخاب می کند. می گوید: «دوستانی که تو را بشناسند و با فکرهای تو هم خوانی داشته باشند، دوست واقعی هستند.»
بابک نیک طلب شاعر است. در مجله های متعدد آثار او را دیده ایم. داور جشنواره های شعر بوده و تا به حال جوایز زیادی را به نام خودش کرده است. یکی از این جایزه ها، جایزه «جشنواره شعر فجر» است. با او درباره دوستیابی صحبت کرده ایم.

؟ شما دوست های زیادی دارید؟

بله، من دوست های زیادی دارم. این دوست ها ویژگی های متفاوتی دارند، اما اکثرشان در زمینه ادبی و هنری فعالیت می کنند.

؟ وقتی نوجوان بودید هم دوستان زیادی داشتید؟

نه، آن موقع تعداد کمی با من دوست بودند. هم خودم کم رو بودم هم اطرافیانم را برای دوستی مناسب نمی دانستم. وقتی کمی بزرگ تر شدم و شروع کردم به فعالیت ادبی تعداد آشناها و بعد دوستانم بیشتر شد.

؟ دوست هایتان را

کجا پیدا می کردید؟
در مدرسه، اصلاً اهل کوچه



و خیابان نبودم. می‌دانید در آن زمان تعریف دوستی با زمانی که بزرگ‌تر می‌شوی، فرق دارد. در واقع دوستی یک کشش است. حالا اگر آن دوست خوب باشد، خوش به حال ما. اما اگر خوب نباشد، باید راهی برای جدا شدن پیدا کرد. بعد آرام آرام دوستان می‌شوند کسانی که دوستی با آن‌ها مفید است.

❓ **خب آن موقع به نظر تان یک دوست باید چه ویژگی‌هایی می‌داشت؟**

ویژگی‌ها در چارچوب یک خانواده، یک فرهنگ و یا یک اجتماع تعریف می‌شوند. تعریف من نمی‌تواند تعریف آدمی باشد در یک خانواده متفاوت و حتی نمی‌تواند الگوی او باشد. هر کس هم شخصیت مستقلی دارد و با شخصیت خودش افراد را مثبت یا منفی می‌بیند. ویژگی‌های خانوادگی و اجتماعی من باعث شده بود که معیارهایم برای دوستی بددهان نبودن، اهل دعوا نبودن و روان سالم داشتن باشد. مهم بود که عاطفه عمیقی داشته باشد و اهل درس و تحقیق و جنبه‌های مثبت زندگی باشد.

❓ **در بزرگسالی این تعریف تغییر کرد؟**

از وقتی وارد حیطه تخصصی شدم، برایم مهم بود افرادی را انتخاب کنم که در سرنوشتم تأثیر دارند. در واقع حالا دستم بازتر بود تا افراد مناسب‌تری را انتخاب کنم. این دوست‌ها باید دارای دو تعریف بودند: یا از لحاظ شناخت اجتماعی و فرهنگی از من بزرگ‌تر بودند، یا اینکه با آن‌ها حرف‌های مشترکی داشتم. البته این تعریف جدا از سلام و علیک و رابطه اجتماعی است. ما با خیلی‌ها نشست و برخاست و سلام و خداحافظی داریم، اما قرار نیست همه آن‌ها دوست ما باشند.

❓ **تا به حال یک دوستی را تمام کرده‌اید؟**

بله.

❓ **خب چرا و چه طور باید به یک دوستی پایان داد؟**

به این بستگی دارد که ما چه طور دوست شده‌ایم و میزان وابستگی ما چه قدر است. اما یک نکته مهم وجود دارد: ما از اول باید فاصله‌ای را از همه حفظ کنیم. این فاصله نامرئی است و وقتی ایجاد شد، آن وقت می‌توانیم همه مسائل را از هم تفکیک کنیم. البته همیشه این اتفاق نمی‌افتد و خیلی رابطه‌ها با تلخی تمام می‌شوند.

❓ **حالا اگر اتفاق بدی افتاد چه؟ باز باید با آرامش رابطه را قطع کنیم؟**

نه اتفاقاً، در این مواقع باید سریع قطع رابطه کرد. ببینید، وقتی به ما اهانت می‌شود و حریم‌ها شکسته می‌شوند، دیگر اسم دوستی درست نیست. اسمش دشمنی است و باید از خودمان بپرسیم واقعا از اول دوستی بوده است؟

❓ **آیا ما باید دوستانمان را به بقیه معرفی کنیم؟ یعنی مثلا اعضای خانواده، همکاران و آشناهایمان باید بدانند ما با کی دوست هستیم؟**

بله، چون آدم‌ها با دوست‌هایشان شناخته می‌شوند. آدم‌هایی که اطراف ما هستند، دور ما در حال چرخش‌اند و همه ما یک منظومه هستیم. وقتی ما دوستان و دور و بری‌های یک نفر را می‌شناسیم، زودتر می‌توانیم درباره او به نتیجه برسیم. مثلا کسانی که منزوی هستند و دوستی ندارند، با کسانی که دارای دوستان مختلف و مفیدی هستند، فرق دارند.

❓ **آدم باید در دوستی از هر چیزی**

❓ **برنجند؟**

نه، این اتفاق نباید زیاد بیفتد. خود من با سختی دوستانم را انتخاب می‌کردم و حواسم بود که ویژگی‌های مثبت زیادی داشته باشند. بنابراین کمتر رنجیده‌ام. اما به نظر من مهم‌ترین چیزی که باعث می‌شود ما برنجیم، تشخیص ندادن ویژگی‌هاست. اگر کسی ویژگی‌های مرا نشناسد، بیشترین صدمه را به من می‌زند. دروغ‌گویی و خیانت هم تحت‌الشعاع همین شناختن اتفاق می‌افتد.

❓ **دو دوست چه حقوق متقابلی می‌توانند داشته باشند؟**

هر آدمی یک نیمه روشن دارد و یک نیمه تاریک و راز و حقیقت. دوست‌ها رازهای یکدیگر را می‌دانند. پس اگر بتوانیم این رازها را حفظ کنیم و احترام‌بخش تاریک و روشن هم را نگه داریم، دوستی ما ماندگار می‌شود. برای حفظ یک دوستی باید با جان و دل کوشش کرد.

❓ **در همه دوستی‌ها این طوری است؟**

نه. نوشتن این چیزها باعث ایجاد یک دوستی نمی‌شود. دوستی‌ها و رفتارها غالباً با تجربه به دست می‌آیند. هر کدام از ما در شرایط متفاوتی زندگی می‌کنیم و تجربه‌های مختلفی به دست می‌آوریم که شبیه هم نیستند. بعد از کسب کمی تجربه است که ما می‌توانیم منشوری برای دوستی‌مان بنویسیم و بعد آن را اجرایی کنیم. اما در همه دوستی‌ها یک نکته مهم است.

❓ **چه نکته‌ای؟**

ما باید نیازها و آرزوهای دوست‌هایمان را در نظر بگیریم. گاهی ما با کسی دوست می‌شویم، فقط برای خودمان و در بین راه خواسته‌ها و آرزوهای طرف مقابل را فراموش می‌کنیم و حاضر نیستیم آرزوهای او را مدنظر قرار بدهیم. این اتفاق نباید بیفتد.